

این جا چشم



- این مؤسسه تشکلی مردمی است و بنابراین اولین کسی که کار را شروع کرده، در واقع خودش اولین عضو است. از زمانی که این فکر در ذهن من شکل گرفت، شروع به عضوگیری کردم. البته در سال اول فقط ۲۰ نفر نظر مرا پذیرفتند، کم کم تعداد اعضا بیش تر شد. یک سال بعد یعنی در سال ۷۱ تعداد اعضا به ۵۰۰ نفر رسید. از سال‌های بعد به ترتیب تا سال ۷۷ تعداد اعضا افزایش یافت. تا دی ماه سال ۷۷ حدود ۸۲۰۰ نفر عضو گرفتیم. البته این‌ها همه‌ی اعضا نیستند، چون افرادی هم به طور مرتب به اینجا کمک می‌کنند ولی برگه‌ی عضویت ندارند. حتی افرادی هستند که از طریق حساب بانکی به مؤسسه کمک می‌کنند ولی برگه‌ی عضویت ندارند.

- برگه‌ی عضوایی شما به گونه‌ای تنظیم شده که تنها پرداخت وجه دلیل عضویت نیست. بلکه افراد می‌توانند بدون پرداخت وجه و تنها از طریق ارائه‌ی خدمات یا تبلیغات و عضوایی برای مؤسسه به عضویت مؤسسه درآیند. عضوایی بدون پرداخت وجه را از چه زمانی و چه گونه شروع کردید؟

- همان‌طور هم که قبلاً گفتم این مؤسسه تشکلی مردمی است و ما برای عضویت تنها روی پرداخت وجه از سوی افراد حساب باز نمی‌کنیم. در واقع ما بر همکاری و همیاری مردم حساب باز می‌کنیم و تنها یکی از این همیاری‌ها پول پرداختن است. ادعای ما این است، آنچه که در این مؤسسه اتفاق افتاده تنها به وسیله‌ی پول مردم نبوده بلکه به وسیله‌ی همیاری و همدلی مردم صورت گرفته است. اگر بخواهیم قیمتی برای خدماتی که این‌جا عرضه می‌شود ارائه کنیم، باید بگوییم که توفیق ما در گرفتن خدمات از مردم بیش تر از گرفتن پول بوده است. شاید ۳۰ درصد کمک‌های مردم مالی باشد ولی بقیه‌ی آن شامل کمک‌های تخصصی و صرف وقت برای انجام کارها است.

- امروز بیش از هشت هزار نفر در این مجموعه عضویت دارند. کوچک‌ترین و بزرگ‌ترین عضو مؤسسه‌ی شما در چه حدود سنی هستند؟

- براساس آخرین اطلاعاتی که من دارم در اواخر سال گذشته یک نوزاد دو ماهه به عضویت ما درآمد که شاید الآن حدود یک سال داشته باشد و او جوان‌ترین عضو ماست. همچنین یکی از زنان پیشکسوت در امور خیریه که امروز قادر به راه رفتن نیست، عضو این مجموعه است. ایشان بیش از ۹۰ سال سن دارند و ما در زمان تشکیل هر بازار خیریه نزد ایشان می‌رویم و رهنمود می‌گیریم. آیا از میان مسئولان کشور هم افرادی در این مجموعه عضویت دارند؟

بی‌اطلاع است. شب هنگام، کودک دچار خونریزی می‌شود و در همان دقایقی که می‌رفت تا خورشید هستی بخش طلوع کند، ستاره‌ی زندگی کودک به غروب می‌گراید. در لحظات مرگ و زندگی کودک، مادر دست به دعا برداشته و با خالق هستی راز و نیاز می‌کند: «بارالها! فرزندم، این تنها دختر نازنینم را به من بازگردان. بارالها! من هم تلاش می‌کنم تا از این پس به قدر توان خویش، یاری رسان کودکان معصوم سرطانی باشم.»

دعای مادر مستجاب می‌شود و کودک پس از مدتی شفا می‌یابد. از همان روز، مادر کودک به اتفاق خواهر و مادر خود پایه‌های مؤسسه‌ای را بنیان می‌نهند که امروز با بیش از هشت هزار عضو، یاری‌رسان کودکان سرطانی است. همین مادر بود که در جواب پرسش ما گفت: «زندگی بچه‌های سرطانی، تنها به دل شب شباهت دارد. آنان نمی‌دانند در پس پرده‌ی تاریک این شب، سحری هم هست یا نه.»

پای صحبت سعیده قدس، بنیانگذار و مدیرعامل مؤسسه‌ی خیریه‌ی حمایت از کودکان مبتلا به سرطان نشستیم. همان بانوی نیکوکاری که به یاری گروه دیگری از انسان‌های مهربان، دلسوز و نیک‌روش، صدها کودک سرطانی را زیر پر و بال خویش گرفته‌اند. سعیده قدس متولد ۱۳۳۰ و کارشناس جغرافیاست. - عضوگیری در مؤسسه را از چه زمانی و چگونه شروع کردید؟

● در جامعه‌ی ما مسئولیت سنگین خانواده بر دوش زنان است و امروزه این مسئولیت و توقع از زنان ایرانی به مراتب از زمان‌های گذشته بیش تر شده است.

تا به حال از خودتان پرسیده‌اید که زندگی بچه‌های سرطانی به کدام لحظه و ساعت از شبانه روز می‌ماند؟ کسی را در دور و بر خود می‌شناسید که فرزند دلبنده‌اش با این بیماری دست و پنجه نرم کند؟ هیچ‌وقت از نزدیک شاهد حال و روز چنین خانواده‌ای بوده‌اید؟ یک بار همین سؤال را از مادری پرسیدم که چنین لحنی را با تمام وجودش لمس کرده بود. مادری که پزشکان برای معالجه‌ی کودک دوساله‌اش، شیمی درمانی را تجویز کرده بودند. همان واژه‌ای که در اذهان مردم مترادف سرطان است. مادر همزمان با این جریان، شغلش را رها می‌کند. یک پایش در بیمارستان و پای دیگرش در خانه است و لحظه به لحظه درمان دختر دلبنده‌اش را دنبال می‌کند. یک‌بار در همان دوران پرفراز و نشیب درمان، پزشکان دارویی را به کودک تزریق می‌کنند که مادر از عواقب آن

منتظر طلوع سحر ند!

● زنان به آن مفهوم تصمیم گیرنده‌ی اقتصادی نیستند، حتی اگر خودشان منبع اقتصادی باشند.

ما براساس اصالت امور خیریه، هیچ‌گاه به دنبال این نبوده‌ایم که حتماً دولتمردان در اینجا عضویت داشته باشند. ولی بعد از توفیق این مؤسسه، در اثبات اصالت تفکر خود و توفیقی که در این راه داشته، مسئولان بسیاری برای عضویت در اینجا به طور شخصی اعلام آمادگی کرده‌اند. الآن از بالاترین مسئولان تا پایین‌ترین آن‌ها در کشور عضو شده‌اند. ولی ما از نظر رده‌بندی مؤسسه هیچ جایگاه ویژه‌ای برای آن‌ها در نظر نگرفته‌ایم. طبیعی‌ست که اگر مؤسسه برای انجام کارهایش در اداره‌ها یا وزارتخانه‌ها با مشکل روبه‌رو باشد، از آن‌ها کمک می‌گیرد. البته آنان گاهی می‌توانند به ما کمک کنند و گاهی هم نمی‌توانند. وقتی هم که نمی‌توانند کاری برای ما انجام بدهند، موضوع هیچ ارتباطی با عضویت آن‌ها پیدا نمی‌کند. ما به هر کدام از اعضا به عنوان انسانی که برای مشارکت در امر خیریه آماده شده است، نگاه می‌کنیم.

● منظورتان از رده‌بندی مؤسسه چیست؟

همه‌ی سازمان‌ها یک سری اعضای افتخاری، فعال، رسمی و... دارند. ما نیز چنین اعضای داریم و اعضای افتخاری ما الزاماً وزیر یا وکیل نیستند. گاهی

اعضای افتخاری ما افرادی هستند که از نظر اجتماعی، هیچ‌گونه موقعیت خاصی ندارند ولی از نظر مؤسسه موقعیت خاصی دارند و خدمت ویژه‌ای به این مؤسسه کرده‌اند. این خدمت می‌تواند مالی یا غیرمالی باشد. افتخار عضویت در این مجموعه را به افرادی می‌دهیم که به هر شکلی مثرنمر بوده‌اند و مؤسسه خدمت آن‌ها را لمس کرده است. برای مثال، دربان مجموعه‌ی مسکونی که زمانی ما در آن مجتمع بازار خیریه داشتیم، امروز عضو افتخاری ماست. زیرا او گردنبنند دخترش را به کودکان سرطانی اهدا کرد. یکی از وزیران عضو افتخاری ماست، زیرا او هم در یک موقعیت خاص از ما حمایت کرد. عضو افتخاری در مجموعه‌ی نیروهای انتظامی هم داریم که برای ایجاد امنیتی که در جامعه نیاز داریم از ما حمایت کرده‌اند.

علاوه بر اعضای افتخاری، اعضای فعال داریم که آن‌ها مثل کارمندان هستند ولی حقوق نمی‌گیرند و نیرو و وقت خودشان را صرف مؤسسه می‌کنند. اعضای عادی هم فقط با پرداخت پول از ما حمایت می‌کنند.

● زنان چه درصدی از اعضای شما را در بر گرفته‌اند؟

● بالاترین رقم را در حال حاضر زنان به خود اختصاص داده‌اند. بعد از زنان (جوان و مسن) بیش‌تر اعضا به گروه سنی نوجوان تعلق دارد. بعد از آن‌ها هم آقایان میانسال قرار دارند.

● در حال حاضر روال کار این مؤسسه چگونه است؟

● ورودی تشکیلات ما بخش جذب کمک‌های مردمی است. بعد در بخش‌های اجرایی و روابط عمومی بر این کمک‌ها کار می‌شود. در بخش مالی هم این وجوه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در واقع پول‌هایی که برای کارهای مختلف اختصاص یافته در همان قسمت تنظیم و سازماندهی می‌شود. فرض کنید یک نفر وجهی را برای خرید داروهای بچه‌های سرطانی به ما داده است، ما این پول را در همان حساب مخصوص واریز می‌کنیم تا آن را صرف تهیه‌ی داروها کنند. ممکن است کسی پولی را نذر کرده تا برای تهیه‌ی ساختمان مؤسسه خرج شود. این پول به همان کار اختصاص می‌یابد. بخش دیگری از کارها مربوط به مددکاری‌ست که در بیمارستان‌ها انجام می‌شود. این‌جا تشکیلاتی ثبت شده و رسمی‌ست که در چهارچوب قوانین فعالیت می‌کند. ما هیئت امناء، هیئت مؤسس و هیئت مدیره‌ی منتخب، هیئت امناء و مدیر عامل و افرادی هم برای کارهای اجرایی داریم.

● ظاهراً بخش عمده‌ای از کارهای این مؤسسه توسط زنان انجام می‌شود که برخی از آن‌ها نیز این فعالیت‌ها را در خانه صورت می‌دهند. در این باره بیش‌تر بگویید.

● حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد از کارهای ما توسط نیروهای داوطلب انجام می‌شود. با توجه به این‌که بیش‌تر این افراد نیز زن هستند و آن‌ها زمان محدودی را می‌توانند در بیرون از خانه بگذرانند، ما هم کارها را به گونه‌ای رده‌بندی کرده‌ایم تا بخشی از آن‌ها در منزل انجام شود. برای مثال همه‌ی کارهای مربوط به بازار خیریه در منزل افراد انجام می‌شود و یا ارسال برخی مراسلات در منازل صورت می‌گیرد. حتی تهیه‌ی برخی مقاله‌ها و ارتباط با شبکه‌ی اینترنت توسط زنان متخصص در خانه‌شان انجام می‌شود. به این ترتیب، زنان ضمن این‌که در این امر اجتماعی مشارکت می‌کنند از خانه و زندگی هم غافل نمی‌شوند.

● شما چه تعداد کودک سرطانی را زیر پوشش گرفته‌اید؟

● سالانه به‌طور متوسط به دو تا سه هزار کودک رسیدگی می‌شود. این رسیدگی در واقع بخش جزئی از مشکلات آن‌هاست. بنابراین ما واژه‌ی زیر پوشش را برای این کار استفاده نمی‌کنیم. این‌ها مشکلات فراوانی در بخش‌های روانی، روان‌شناسی خانواده، روابط اعضای خانواده، مسائل مالی و مسائل درمانی دارند. آرزوی ما این است که روزی بتوانیم حداقل ۵۰۰ کودک را به‌طور کامل پوشش بدهیم. ما الآن به جای آن‌که فقط ۵۰۰ کودک را به‌طور کامل پوشش



● حرف همیشگی من این است بدترین و غیرلازم‌ترین نوع کمک، آن نوعی است که با ترحم همراه باشد.

بدهیم، سعی می‌کنیم امکانات را در ابعاد بزرگ‌تر تقسیم کنیم تا حداقل دو تا سه هزار نفر از این امکانات سهمی ببرند. ما دلمان می‌خواست تعداد این بیماران کم‌تر بود تا می‌توانستیم همگی را زیر پوشش بگیریم.

اگر میزان کمک‌ها افزایش پیدا کند، قطعاً می‌توانیم کودکان بیش‌تری را زیر پوشش بگیریم. ما به چنین آینده‌ای امیدواریم.

- افرادی که کودک سرطانی دارند، چگونه از خدمات این مؤسسه بهره‌مند می‌شوند؟

- بستگی به حد نیاز و ابعاد مشکلات آنان دارد. ما به بعضی از بچه‌ها از هزینه‌ی رفت و آمد آن‌ها و انتقالشان از شهرستان به تهران، پوشاک، اقامت، درمان و هر چه که شما فکر کنید، کمک می‌کنیم. به تعدادی فقط هزینه‌ی نسخه را می‌پردازیم. به برخی فقط پول آزمایشگاه و هزینه‌ی آن را می‌دهیم. حداقل کاری که ما برای هر کودک انجام می‌دهیم، پرداخت نسخه‌ها و بیمه کردن آن‌هاست.

- آن‌ها را چه نوع بیمه‌ای می‌کنید؟

- بیمه‌ی خدمات درمانی.

- این مؤسسه به چه نوع افرادی خدمات ارائه می‌کند؟ به عبارت دیگر، آن افراد باید دارای چه شرایط و ویژگی‌هایی باشند تا از خدمات شما بهره‌مند شوند؟

- ما در هفت بیمارستان دولتی و دانشگاهی که محل مراجعه‌ی افراد مستمند است، فعالیت داریم. بنابراین ما سیستم‌گزینه‌ی نداریم. ورود شخص به آن مجموعه خود به خود نشان دهنده‌ی نیاز اوست. زیرا اگر امکانات داشت به بیمارستان خصوصی مراجعه می‌کرد. هر قدر آن‌ها نیازمندتر باشند ما سعی می‌کنیم بیش‌تر کمک کنیم. ممکن است خانواده‌ای که پدر کارمند اداره و مادرشان فرهنگی‌ست، واحدی نسبتاً مطلوب در جامعه محسوب شوند، ولی به محض این‌که این بیماری در وجود فرزندشان بروز می‌کند، طبیعتاً آن‌ها فلج می‌شوند. زیرا درمان این بیماری آن‌قدر گران است که از عهده‌ی سه حقوق بر نمی‌آید تا شش ماه این درمان را ادامه بدهد.

- چه تعداد مددکار با شما همکاری دارند؟

- چون آن‌ها داوطلب هستند، تعدادشان کم و زیاد می‌شود. به طور متوسط الآن حدود ۵۰ مددکار همکار داریم.

- هزینه‌ی درمان و نگهداری بچه‌های سرطانی به طور معمول چقدر است؟

- در مقاطعی مانند برگزاری بازار خیریه حداقل باید ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر کار بکنند تا برنامه اجرا شود. ولی کارهای داخلی مؤسسه را با حدود ۵۰ تا ۶۰ نفر می‌گردانیم. البته در همان موقع که ما این‌جا کار می‌کنیم، حدود ۱۰۰ نفر هم در خانه‌های خودشان مشغول پختن مربا یا دوختن ملحفه یا کارهای کامپیوتری، برای این بچه‌ها هستند. البته کارهای کلیدی و حساس را به دست افراد موظف می‌سپاریم. زیرا ممکن است اعضای افتخاری بعد از مدتی ناچار به ترک آن کار مستمر باشند یا به مسافرت بروند، آن وقت کارها بر زمین خواهد ماند. بنابراین چند نفر عضو موظف داریم که حقوق می‌گیرند. روند کارها نشان می‌دهد که برای سال‌های آتی باید تعداد

● زنان بالاترین شمار عضویت در این مؤسسه را دارا هستند.

اعضای موظف را بیش‌تر کنیم تا گردش کار به خوبی صورت بگیرد. تجربه نشان داده، ضررهایی که از رها شدن برخی کارهای کلیدی توسط افراد داوطلب به مؤسسه وارد می‌شود از حقوقی که به افراد موظف می‌پردازیم، بیش‌تر است.

- آیا شما اعضای خارجی هم دارید؟

- بله. ما هم اعضای ایرانی مقیم خارج داریم و هم خارجیان مقیم ایران به عضویت مؤسسه درآمده‌اند. البته این خارجیان همکاری خاصی به جز پرداخت حق عضویت ندارند. ما در مورد کار نیک هیچ‌گونه مرزبندی جغرافیایی نمی‌شناسیم. همین الان اگر به من بگویند که مثلاً در آلاسکا مؤسسه‌ی خیریه‌ای برای کمک به سرطانی‌ها وجود دارد، خودم صددرصد اوراق عضویت آنجا را پر می‌کنم. این در حالی است که هیچ وقت آلاسکارا ندیده‌ام و حداکثر فقط ده ساعت فیلم در مورد آن کشور دیده‌ام. انسان

- به طور متوسط یک دوره‌ی کامل درمان بچه‌های سرطانی، در نوع خوش خیم آن، به این شرط که نیاز به عمل جراحی یا پیوند نداشته باشند، حدود دو تا سه میلیون تومان برآورد شده است. آن‌هایی که نیاز به عمل یا پیوند دارند در حدود هشت میلیون تومان است. ما در این‌جا حتا هزینه‌های معمولی را که بر خانواده تحمیل می‌شود اعم از رفت و آمد و غیره را نیز محاسبه کردیم.

- آیا مؤسسه خدمات شبانه روزی هم دارد؟

- بله. ما با همت شهرداری تهران اقامتگاهی را ایجاد کرده‌ایم که الان پذیرای والدین این کودکان است تا کنار خیابان یا بیمارستان نخوانند و از طرف دیگر حامل مقدار زیادی میکروپ و آلودگی برای فرزند بیمار خود نباشند.

- چه تعدادی می‌توانند در این اقامتگاه مستقر شوند؟

- حدود ۴۰ نفر. البته ما سعی می‌کنیم نیازمندترین افراد را در آنجا مستقر کنیم.

- تا جایی که من اطلاع دارم، ساختمان فعلی مؤسسه اجاره‌ای‌ست. آیا هنوز اجاره می‌پردازید یا این‌که ساختمان را خریده‌اید؟

- در حال حاضر اجاره می‌پردازیم. بارها به این فکر افتاده‌ایم که محلی را برای این کار بخریم. ولی هر بار از این کار منصرف شدیم. زیرا فکر کردیم با پول خرید ساختمان می‌توانیم مشکلات تعدادی از بچه‌ها را برطرف کنیم.

- یعنی ترجیح می‌دهید ساختمان نخرید؟

- آرزوی ما این است که ساختمانی به مؤسسه اهدا شود. فقط در آن صورت است که مشکل ما حل می‌شود. ما ترجیح می‌دهیم ۱۰۰ میلیون تومان پولی را که برای خرید ساختمان صرف می‌شود، خرج درمان بچه‌های سرطانی کنیم. چون این پول نذر مردم برای بچه‌های سرطانی‌ست.

- کارهای مؤسسه را چند نفر اداره می‌کنند؟

آلاسکایی آفریده‌ی خداوند و از نوع ما انسان‌هاست. اگر هم کاری از دستم بریاید، برایش انجام می‌دهم. به همین ترتیب برای عضویت افراد در این‌جا هم مرزهای جغرافیایی را ملحوظ نمی‌کنیم، مگر این‌که جهت‌گیری خاص و القای نوعی طرز فکر در آن وجود داشته باشد که ما آن را نمی‌پسندیم و یا در چهارچوب قانون ما نگنجد. البته چنین موردی را تا این لحظه نداشته‌ایم.

- حداقل شرایط برای عضویت در این مجموعه چیست؟

- حداقل شرط نانوشته‌ی ما این است که شخصی انگیزه‌ی مشارکت در کار خیر را داشته باشد و ما خیلی زود می‌توانیم این انگیزه را تشخیص بدهیم. در مورد دانش‌آموزان و دانشجویان سعی کردیم، حداقل عضویت یعنی ماهی ۲۰۰ تومان را در نظر بگیریم. البته شاید بعضی از دانش‌آموزان همین ماهی ۲۰۰ تومان را نداشته باشد ولی آن‌ها می‌توانند بدون هیچ مشکلی باز هم عضو مؤسسه باشند. در مورد بزرگسالان این حق عضویت ماهی ۵۰۰ تومان است. اما چون هم ممکن است افرادی باشند که همین مبلغ برای آن‌ها زیاد باشد، بنابراین ما اصرار و پافشاری بر پرداخت این مبلغ نیز نداریم. عضویت تنها به صورت پرداخت پول نیست. بعضی از افراد در برهه‌ی عضویت اعلام می‌کنند که تنها می‌توانند تخصص خود را در اختیار ما بگذارند یا این‌که برای مؤسسه و عضوگیری آن تبلیغات کنند. حتی دانشجویانی هستند که مقالات علمی را برای ما ترجمه می‌کنند و به این عنوان عضو ما هستند. مبالغی را که بابت حق عضویت دریافت می‌شود، صرف هزینه‌های این مؤسسه و گرداندن آن می‌کنیم. ولی پول‌هایی را که افراد بابت کار خاصی مثل درمان یا تهیه غذا و لباس برای بچه‌های سرطانی به ما می‌دهند، فقط در همان موارد خرج می‌شود. ما چند نوع سرفصل مخارج داریم که در واقع پول‌های مردم را دقیقاً در همان مواردی که درخواست می‌کنند، خرج می‌کنیم.

- یکی از جلوه‌های کار شما در جهت جذب کمک‌های مردمی، برپایی بازارهای خیریه است. تاکنون چند بازار برپا کرده‌اید؟

- ما معمولاً دو نوع بازار داریم. یکی بازار شب عید است و دیگری بازار مواد غذایی و در کنار این‌ها بنا به پیشنهادهایی که می‌شود بازار کتاب، لوازم خانگی و انواع دیگر آن را بر پا می‌کنیم. متأسفانه بعضی از بازارهایی که شما در جامعه می‌بینید، اصلاً ارتباطی با بازارهای ما ندارد. در بازارهای ما به کسی غرفه داده نمی‌شود که در کنار آن پورسانت بگیرد. تمام بازارهای ما اهدایی‌ست یا کارهای دستی بانوان نیکوکار است. حدود یک‌سال کار طول می‌کشد تا بتوانیم بازار شب عید را بر پا کنیم.

ما از مردم کالاهای اهدایی را می‌گیریم و آماده سازی آن برای ارائه در بازار حدود یک‌سال زمان می‌خواهد. اسفند ماه ۷۷، ششمین بازار شب عید را

● در جامعه‌ی ما به زنان به عنوان سیاستگذار اقتصادی نگاه نمی‌کنند و همچنان کلمه‌ی زن مفهوم درجه‌ی دوم بودن را القا می‌کند.

برپا کردیم.

- این بازارها چه‌گونه برپا می‌شود و افراد علاقمند چه‌گونه می‌توانند در آن مشارکت کنند؟

- در برهه‌های عضویت این موضوع پیش‌بینی شده است. اگر افرادی برای شرکت در این برنامه تمایل داشته باشند با آن‌ها تماس می‌گیریم. این افراد باید دوره ببینند و در جلسه‌های توجیهی و تقسیم کار شرکت کنند. بحث بازارهای خیریه در کشور ما نیاز به مقاله‌ای جداگانه دارد. آن روزها که ما این بازارهای خیریه را داشتیم به جز ما فقط مراکز بهزیستی و کهریزک چنین برنامه‌ای برپا می‌کردند. یعنی حداکثر پنج بازار خیریه در سال برپا می‌شد که هیجان و اصول خودش را داشت. اما امروز شما در هر ماه و در هر محله‌ای می‌بینید که ده بازار برپا می‌شود. در حالی‌که نمی‌دانید متولی آن کیست و پول‌های آن کجا می‌رود. آیا درست است که در یک چنین بازارهایی به یک تاجر متمکن یک فضای ۲۰ متری را اجاره بدهند و در قبالش یک میلیون تومان از او بگیرند و آن تاجر در آن محل چند میلیون برای خودش تجارت کند؟ باید موضوع بازارهای خیریه به بحث گذاشته شود. ما حاضریم تجارب خودمان را در اختیار دیگران بگذاریم و شنونده‌ی تجارب دیگران باشیم. حاضریم هر وقت این کار قانونمند شد، ما نیز سایه‌به سایه با قانون حرکت کنیم. ولی آنچه که الان وجود دارد به اعتماد و هیجان مردم درباره‌ی این کار صدمه می‌زند. ما در بازارهای خودمان همواره شاهد حضور چشمگیر جوانان برای خرید به نفع کودکان سرطانی هستیم.

- به نظر شما دیدگاه عمومی جامعه نسبت به این بیماری (سرطان) چگونه است و به مبتلایان آن از چه زاویه‌ای می‌نگرند؟

- ما شاهد پیشرفت افراد و آگاهی آنان نسبت به این بیماری هستیم. ولی باز هم هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که می‌تواند خودش را به جای این افراد بگذارد. ما امیدواریم روزی به حدی از آگاهی برسیم که افراد بتوانند خودشان را به جای آن خانواده‌هایی بگذارند که فرزندشان دارد روی دستشان پرپر می‌شود.

- با توجه به تجربه‌ای که شما دارید بهترین روش برخورد با بچه‌های مبتلا به سرطان چه از سوی خانواده‌ی آن‌ها و چه از سوی مردم چیست؟

- من تجربه‌ی خودم را در مورد فرزندم به شما می‌گویم. در درجه‌ی اول باید به مادر کودک زمان

بدهیم تا خودش را بیابد و با این مشکل کنار بیاید. بعد یک حالت تسلیم در برابر آنچه که اتفاق افتاده داشته باشد و آن‌گاه اراده کند آنچه را که رخ داده، ترمیم کند. دیگر نباید به چراها در این مورد فکر کرد چون به جایی نمی‌رسد. مرحله‌ی بعد به چاره و درمان فکر کردن است. وقتی مادر به این نقطه رسید باید با صداقت، آرامش و زبانی که هر مادر نسبت به فرزندش دارد واقعیت را به بچه بفهماند تا او بداند که در مقابل خطری بزرگ قرار گرفته ولی با کمک خداوند، خانواده‌اش و مردم خوب جامعه از عهده‌ی آن برخواهد آمد. باید به کودک سرطانی گفت که هر انسانی یک روز در زندگی خودش در مقابل مشکل قرار می‌گیرد و این تنها او نیست که این مشکل را دارد. بعضی وقت‌ها مادران با همه‌ی افرادی که لازم نیست چیز زیادی بدانند، درباره‌ی موضوع صحبت می‌کنند و ترحم آن‌ها را بر می‌انگیزند. در حالی‌که از آن طرف به خود بچه که سوزهی اصلی‌ست، قضیه را نمی‌گویند. در این موقعیت آن کودک فقط به طور مبهم می‌فهمد موضوع عجیب و غریبی در اطرافش وجود دارد که خودش از آن بی‌خبر است. این بدترین تأثیر را در روحیه‌ی بچه می‌گذارد و عواقب وخیمی برای او، مادرش و روابط خانوادگی آن‌ها خواهد داشت.

- یعنی شما معتقد هستید که باید با کودک سرطانی موضوع را در میان گذاشت؟

- بله. ابتدا باید خود پدر و مادر با موضوع کنار بیایند و بعد فقط قضیه را با مشاوران و افرادی که می‌توانند مؤثر واقع شوند، در میان بگذارند و در نهایت با خود بچه صحبت کنند. آن‌ها مجبور نیستند که موضوع را به بدترین شکل به کودک بگویند. آن‌ها باید در خفیف‌ترین شکل موضوع را مطرح کنند ولی کودک باید بداند که در مقابل خطر قرار دارد ولی برای رفع آن به او کمک می‌کنند.

- مردم چگونه باید با این قضایا برخورد کنند؟

- حرف همیشگی من این است که بدترین و غیر لازم‌ترین نوع کمک، آن نوعی‌ست که با ترحم همراه باشد. باید بدانیم که حتی حیوان‌ها هم کمک همراه با ترحم را نمی‌خواهند. اطرافیان بیمار اگر می‌توانند باید کاری برای آن‌ها انجام بدهند، در غیر این صورت ساکت باشند و برای آن‌ها آرامش ایجاد کنند. بعضی‌ها هزاران مورد مشابه دردناک را برای مادر کودک تعریف می‌کنند و بعد او را در حالت سرگردانی خودش تنها می‌گذارند.

- به نظر شما مهم‌ترین مسائل و مشکلات زنان امروز جامعه ما چیست؟

- فکر می‌کنم حجم سنگین مسئولیت‌های زندگی بر دوش زنان است؛ بدون این‌که اهرم‌های اقتصادی را در اختیار داشته باشند.

یعنی زنان به آن مفهوم تصمیم‌گیرنده‌ی مسائل اقتصادی نیستند حتی اگر خودشان منبع اقتصادی باشند. در جامعه‌ی ما به زنان به عنوان سیاستگذار اقتصادی نگاه نمی‌کنند و همچنان کلمه‌ی زن

● اگر مرد در هر ساعتی از شب به خانه بیاید کسی او را بازخواست نمی‌کند. تازه اگر ثابت شود که از محل کارش می‌آید، یک لیوان آب یخ یا یک فنجان چای هم جلوی او می‌گذارند. ولی برای زن، دیرآمدن از محل کار گناه به شمار می‌رود.

مفهومی درجه‌ی دوم بودن را القا می‌کند. هنوز واژه‌ی ضعیفه به‌طور کلی از فرهنگ ما حذف نشده است. - به نظر شما زنان تا چه اندازه توانایی اداری بخش‌های مختلف جامعه را دارند؟

- فاصله‌ی میان زن و مرد در اداره کردن نمی‌بینم. اما در جوامع مختلف این پتانسیل‌ها متفاوت است. در جامعه‌ی ما مسئولیت سنگین اداری خانواده بر دوش زنان است و امروزه این مسئولیت و توقع از زنان ایرانی به مراتب از زمان‌های گذشته بیشتر شده است. چون این توقع به‌صورت حق برای مرد درآمده، طبیعاً در جایی که زنی مسئول است، درگیری دائمی با کارهای خانه و بیرون دارد. در دنیای رقابت کاری میان مرد و زن که در همه جای دنیا وجود دارد، زن باید ثابت کند که می‌تواند وظایفش را به درستی انجام دهد. از طرف دیگر نیز یک نفر وجود دارد که می‌تواند زن را در ارتباط با وقتش بازخواست کند ولی مرد چنین مشکلی ندارد. اگر مرد در هر ساعتی از شب به خانه بیاید کسی او را بازخواست نمی‌کند. تازه اگر ثابت شود از محل کارش می‌آید، یک لیوان آب یخ یا یک فنجان چایی هم جلوی او می‌گذارند. ولی برای زن دیرآمدن از محل کار گناه شمرده می‌شود. به این دلیل من فکر می‌کنم که طبیعتاً ظرفیت کاری زنان محدودتر باشد. بعد دوم کار زنان نیز همان مسئولیت اداری زندگی و همان انجام وظایف سنتی پخت و پز و مرتب کردن خانه است.

- این مؤسسه در حال حاضر با چه مشکلاتی روبه‌رو است؟

- بزرگ‌ترین مشکل ما نداشتن آمار سراسری از بیماری سرطان اطفال در کشور است. اگر ما این آمار را داشته باشیم و پراکندگی جغرافیایی آن را پیدا کنیم، می‌توانیم پیگیری کنیم که برای مثال چرا در فلان نقطه‌ی ایران سرطان خون بیش‌تر است. آن وقت می‌توانیم علل آن را کشف کنیم. ما الان براساس آمار مؤسسه می‌توانیم بگوییم که هجوم افراد سرطانی امروز نسبت به ده سال گذشته بسیار زیاد و تأسف برانگیز است. بعد از مسئله‌ی تحقیقات، مشکلات اقتصادی‌ست که توان مردم را کاهش داده

و آن‌ها نمی‌توانند آن‌گونه کمک کنند تا به اهداف بلند مدت مؤسسه دست یابیم.

- آیا برای حل مشکل آمار و کار تحقیقات اقدامی کرده‌اید؟

- بله. تلاش ما بر این است که با کمک وزارت بهداشت و انستیتو کانسر (سرطان) این معضل را بر طرف کنیم.

- به نظر شما چه مسائل و مشکلاتی وجود دارد که تلاشی زنان را در بسیاری از کارهای مدیریتی با مشکل روبه‌رو می‌کند. در حالی که به گفته‌ی خودتان اغلب آن‌ها هم موفق بوده‌اند؟

- زن وقتی متأهل و خانه‌دار است، باید جوابگوی همسرش و گاهی فامیل‌های دو طرف برای انجام وظایفش باشد. این بار به دوش مرد نیست و کسی از او نمی‌خواهد که جوابگو باشد. حالا وقتی یک زن وارد عرصه‌ی کار مدیریتی می‌شود، ۵۰ درصد از توان بالقوه‌ی خودش را ناگزیر در جای دیگری سرمایه‌گذاری کرده است و فقط ۵۰ درصد بقیه برایش می‌ماند. گاهی در مسائل مدیریتی پیش می‌آید که شما مجبور هستید برای انجام کارتان ۴۸ ساعت به منزل نروید تا کارها انجام شود و بحران کار برطرف شود. در چنین شرایطی من هیچ زنی را در ایران نمی‌شناسم که بتواند از گذشت همسرش سخن بگوید که به او اجازه داده، ۴۸ ساعت پشت میز کارش باشد و به مدیریت مجموعه‌اش بپردازد.

- برای حسن ختام این گفت‌وگو خاطره‌ای از کارتان برایمان تعریف کنید.

- من آن قدر خاطره دارم که نمی‌دانم کدام یک را باید بگویم. اجازه بدهید خاطره‌ای را برایتان بگویم که همیشه به آن فکر می‌کنم. زن و شوهری از طبقات پایین جامعه که بچه‌ی مبتلا به سرطان داشتند به ما مراجعه کردند. پدر این بچه خودش نابینا بود و کودک سرطانی او نیز می‌بایست از ناحیه‌ی چشم جراحی می‌شد و چون سرطان چشم داشت می‌بایست چشم او را تخلیه می‌کردند. چون خودش دوره‌ی نابینایی را گذرانده بود و آن را لمس می‌کرد، به ما اجازه نمی‌داد که این کار را در مورد فرزندش انجام بدهیم. او می‌گفت ترجیح می‌دهم فرزندم بمیرد ولی حاضر نیستم چشم او را در بیاورند. ما این مرد را تهدید کردیم که اگر با جراحی فرزندش موافقت نکند به او هیچ کمکی نمی‌کنیم. او در جوابمان گفت که هیچ نیازی به کمک ما ندارد و از خدا کمک خواهد گرفت و ما در جایی نیستیم که به او بگوییم چه کار باید بکند. به هر صورت او اجازه نداد که چشم فرزندش را تخلیه کنیم. بعد از گذشت دو ماه یک روز همان پدر و مادر با فرزندشان با جمعی از شیرینی به این‌جا آمدند و به ما مژده دادند که همان چشمی که سرطان داشت و پدر نگذاشت تخلیه شود، خودبه‌خود خوب شده است. آن‌ها از توکلی که به خداوند داشتند به این بهبودی رسیدند و این درسی بزرگ برای همه‌ی ما در سراسر زندگیمان است. □



برداشت حقوقی خود بیفزایید - ۸

در این شماره، فصل هشتم قانون مدنی مربوط به حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر بررسی می‌شود. برای آشنایی شما با مواد قانون مدنی به حاشیه‌ی مطلب توجه کنید. منتظر پرسش‌های شما هستیم.

قانون مدنی، مواد ۱۱۰۲ تا ۱۱۱۹ را به حقوق و تکالیف زوجین اختصاص داده و وظایف آنان را در برابر یکدیگر برشمرده است. توجه به این مواد و آشنایی زن و شوهر با آن، موجب می‌شود تا آن‌ها با درک وضعیت موجود، بتوانند درست تصمیم بگیرند و نحوه‌ی رفتار و کردار خود را با آنچه که حدود و حقوق آنان است، تطبیق دهند. دیده می‌شود که گاه زن یا مرد به علت ناآشنایی با حقوق و تکالیف خود، انتظاراتی نابجا از همسر خویش دارند و با این‌گونه انتظارات آتش اختلاف را ناآگاهانه دامن می‌زنند. بی‌شک دانستن و آگاهی از آنچه که حق و تکلیف هر فردی شمرده می‌شود، بهتر و مناسب‌تر می‌تواند زن و مرد را به خواسته‌های بحق‌شان برساند.

ماده‌ی ۱۱۰۲ قانون مدنی واقع شدن نکاح به طور صحت را شروع مناسبات زن و شوهر اعلام می‌کند و برقراری حقوق و تکالیف آنان را در برابر یکدیگر شرح می‌دهد. در مجموعه مواد مربوط به حقوق و تکالیف زن و شوهر نسبت به یکدیگر، نخست تکالیف مشترک آنان آورده شده و سپس تکالیف هر یک از آنان به تنهایی مورد توجه قرار گرفته است.

تکالیف مشترک زن و شوهر

حسن معاشرت، همکاری در تحکیم مبانی خانواده و تربیت فرزند سه محور مشخص از تکالیفی‌ست که زن و مرد برای انجام آن به بهترین نحو، دارای وظیفه‌ی مشترک هستند.

الف - حسن معاشرت زوجین نسبت به یکدیگر:

ماده‌ی ۱۱۰۲ قانون مدنی می‌گوید: زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند، یکی از مهم‌ترین عواملی که زن و شوهر را به یکدیگر پیوند می‌دهد و موجب می‌شود آنان بتوانند سال‌ها با یکدیگر و در کنار هم به خوبی و خوشی زندگی کنند، حسن معاشرت آنان با یکدیگر است. اخلاق و رفتار نیکوی زن و مرد باعث پیوند محکم و ناگسستی بین آن دو می‌شود و مسائل کم‌اهمیت و اختلاف‌های جزئی نمی‌تواند این ارتباط را خدشه‌دار کند. حسن معاشرت در روابط زن و شوهر از چنان اهمیتی برخوردار است که اولین ماده‌ی مربوط به خانواده در قانون را به خود اختصاص داده است. رفتار نیکو، مهربانی و محبت طرفین نسبت به یکدیگر از اولین توصیه‌های قانون به زنان و شوهران است که در واقع در شمار توصیه‌های اخلاقی قانون قرار می‌گیرد. در ماده‌ی هشت قانون ازدواج نیز مکلف بودن زن و شوهر به حسن معاشرت قید شده است. قرآن کریم نیز در سوره‌ی نساء آیه‌ی ۱۹ با ذکر عاشروهن